

بررسی نیایش‌های شاهنامه فردوسی

موسی پرنیان

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه

مهناز ولی بیگی**

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ایلام

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۱/۰۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۰۹/۱۸)

چکیده

شاهنامه‌ی حکیم توس، دایرة‌المعارف بزرگی است که فرهنگ و تاریخ کهن ایران زمین را در بردارد. یکی از هزاران مفاهیم ارزشمند معنوی که در این اقیانوس فراخ‌گستر و ژرف‌عمق به زیبایی و شیوایی موج می‌زند، نیایش پروردگار یگانه است. بازتاب گسترده‌ی این کردار معنوی در شاهنامه نشان از آن دارد که نیایش همچون خداجویی، از نخستین روزگاران شکل‌گیری تمدن بشری کرداری پسندیده و همراه با باور و اعتقاد در فرهنگ مردم ایران زمین بوده است. با تأملی در شاهنامه به روشنی دریافت می‌شود که نیایش یکی از مستحکم‌ترین پناهگاه‌های خداجویان، خردمندان، پهلوانان و پادشاهان و وسیله‌ی مقابله با جادوگری‌ها و بداندیشی‌ها و ترفندهای دشمن است. نیایش‌های شاهنامه به گونه‌ای درس خدانشناسی می‌دهند و اغلب برای طلب نیازهای عمومی و منافع ملی و رستگاری معنوی به کار می‌روند نه برای منافع شخصی. این کردار معنوی، آدمی را به منبع اصلی قدرت وصل می‌کند و نیاز او را هر چند که انسانی تمام عیار چون رستم باشد و یا پادشاهی آرمانی، قدرتمند و با خرد و هنر چون کی خسرو، نشان می‌دهد. در این پژوهش نیایش‌های شاهنامه از جنبه‌های گوناگون همچون: نوع خواسته‌ها در نیایش، نیایشگران به تفکیک شخصیت‌ها و ... بررسی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: شاهنامه، نیایش، شهریاران، پهلوانان، موبدان و زنان.

. E-mail: dr.mparnian@yahoo.com

** E-mail: o.v1363@yahoo.com

مقدمه (بیان مسأله)

شاهنامه‌ی حکیم ابوالقاسم فردوسی علاوه بر سرگذشت ایران عهد باستان در سه بخش اساطیری، پهلوانی و تاریخی در بردارنده‌ی مفاهیم بسیار ارزشمندی در زمینه‌های گوناگون حکمی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی، دینی و ... می‌باشد. این دایرةالمعارف بزرگ همچون اقیانوسی ژرف در هر گوشه و کران خود، گوهری گران‌سنگ از مفاهیم والای الهی و انسانی نهفته دارد. «کمتر کتابی در جهان می‌شناسیم که تارهای پیچیده‌ی پیوند بشری را از عشق و حسد و مهر و کین و آز و نیاز و پیروزی و شکست و غرور و فروتنی و بیداد و داد و خردمندی و دیوانگی در میان افراد جامعه و بین گروه فرمانبران و فرمانروایان چنین دقیق و شاعرانه و زیبا باز نموده باشد» (رضا، ۱۳۷۴: ۲۷).

یکی از هزاران مفاهیم ارزشمندی که در این اقیانوس فراخ‌گستر به زیبایی و شیوایی موج می‌زند، نیایش پروردگار یگانه است. بازتاب گسترده‌ی این کردار معنوی در شاهنامه نشان از آن دارد که نیایش همچون خداجویی از آغازین روزگاران شکل‌گیری تمدن بشری، کرداری پسندیده و همراه با باور و اعتقاد در فرهنگ مردم ایران‌زمین بوده است. اعتقاد فردوسی به خداوند در جای جای شاهنامه به وضوح مشاهده می‌شود و «به نظر می‌رسد که فردوسی گاهی مانند ویکتور هوگو مست خدا می‌شود» (هانری، ماسه ۱۳۷۵: ۲۸۱).

سؤالاتی که برای ما مطرحند و بر آن شده‌ایم تا در این پژوهش به آن‌ها پاسخ دهیم، عبارتند از:

۱. موضوع نیایش‌ها چیست و آن‌ها را می‌توان در چه مقوله‌هایی بررسی کرد؟
۲. شخصیت‌های نیایشگر شاهنامه کدامند و کدام‌یک از آنان بیشترین نیایش‌ها را به خود اختصاص داده است؟

هدف، ضرورت و روش تحقیق

در این پژوهش یکی از جنبه‌های معنوی شاهنامه بررسی می‌شود و توجه دوست داران و مشتاقان این اثر حماسی بزرگ را به این نکته معطوف می‌دارد که در شاهنامه علاوه بر ارزش‌های هنری و ساختاری در تدوین حماسه، به ارزش‌های معنوی هم توجه شایانی شده است. حکیمانه‌های شاهنامه که اغلب جنبه‌های زندگی معنوی انسان را در برمی‌گیرد، همراه نیایش‌ها از جنبه‌های ارزشمند معنوی آن به‌شمار می‌آیند. این مقاله در پی آن است که با بهره‌گیری از روش تحقیق اسنادی و با مطالعه‌ی کل شاهنامه به استخراج تمام ابیات مربوط به

نیایش پردازد و به کمک درج نمودارها و بررسی و توصیف مطالب، این جنبه‌ی ارزشمند شاهنامه را بکاود و ضرورت توجه به آن را گوشزد کند.

تعریف نیایش

واژه‌ی نیایش، واژه‌ای ریشه‌دار در زبان پارسی است و از آغاز تاکنون علاوه بر بازتاب گسترده‌ی لفظی در متون مختلف دینی و ادبی، بار فرهنگی بسیار ارزشمندی را به دوش کشیده است که از زوایای گوناگون قابل بررسی و تحلیل است. در فرهنگ‌ها و لغت‌نامه‌های موجود به ریشه و معنای لغوی آن اشاراتی شده است:

«نیایش: / niyāyeš / آفرین، ستایش، پرستیدن. در پهلوی نیایش / nyāyišn = پرستیدن و در ایران باستان nighay و در سانسکریت gayāti = آواز خواندن (آواز خواندن برای نیایش) در اوستا یسن / yasana = ستایش و پرستش، نیایش»

(پاشنگ، ۱۳۷۷: ۵۸۱)

«نیایش: (neyāye) ا.پ. دعا و دعای خیر»

(نفیسی، ۱۳۶۸: ۳۷۹۳)

«مصدر این کلمه در فارسی مستعمل نیست (قس، منش)، و آن از ریشه‌ی ایرانی باستان niyāy سنسکریت gāyati (آواز خواندن آمده) ۲. دعا، آفرین. ضح ۲. در جزو ادعیه‌ی خرده اوستا (بخش ۳) پنج نماز و آفرین را که راجع است به خورشید، مهر، ماه، آب و آتش؛ به ترتیب، خورشید نیایش، مهر نیایش، ماه نیایش، اردویسور بانو نیایش و آتش نیایش نامند.»

(معین، ۱۳۷۱: ۹ و ۴۸۷۸)

«نیایش: دعای نیکو بود. فردوسی گفته است:

به پیروزی اندر نیایش کنید

جهان آفرین را ستایش کنید»

(اسدی توسی، ۱۳۷۰: ۱۲۹)

نیایش در شاهنامه

از آنجا که خداجویی در اندیشه‌ی فرزانه‌ی توس و در جای جای اثر جاودانه‌اش بازتاب یافته است به تبع آن نیایش به عنوان یکی از جلوه‌های ستایش خالق، از زبان وی و پادشاهان و

پهلوانان و سایر شخصیت‌ها با حالتی سرشار از احساس بیان شده است. هانری ماسه مستشرق غربی آن‌چنان از مفاهیم و اشعار دینی متأثر شده که می‌گوید: «احساسات دینی فردوسی نه تنها در اشعاری که از خود سخن می‌گوید پدیدار است، بلکه در ابراز احساساتی که شاعر به قهرمانان خود نسبت می‌دهد نیز دیده می‌شود. کدام مرد مؤمنی، ولو به هر دینی باشد، این نیایشی را که فردوسی از دل کی خسرو، پادشاه کیانی، جاری می‌سازد نیایش خویشتن نمی‌داند؟ (ماسه، هانری، ۱۳۷۵: ۲۸۱)

| | |
|------------------------------|--------------------------------|
| چنین‌گفت‌کای برتر از جان پاک | برآرنده‌ی آتش و باد و خاک |
| نگه‌دار و چندی خرد ده مرا | هم اندیشه‌ی نیک و بد ده مرا |
| تو را تا بیاشم نیایش کنم | بر این نیکویی‌ها فزایش کنم |
| بیامرز کرده گناه مرا | ز کژی بکش دستگاه مرا |
| بگردان ز جانم بد روزگار | همان چاره دیو آموزگار |
| چو بر من بیوشد در راستی | به نیرو شود کژی و کاستی |
| بگردان ز من دیو را دستگاه | بدان تا ندارد روانم تباه |
| روانم بدان جای نیکان رسان | نگه دار بر من تو این راه و سان |

(۲۴۵۷/۳۸۱/۵)

دعا و نیایش یک سفر درونی است. عمیق‌ترین سفر درونی انسان یا به تعبیری همان سیر انفسی است و به تعبیر مولانا سفر از خویشتن خویش به خویشتن درونی و حقیقی و ملکوتی است و هم سفری که علی رغم سفر آفاقی، یک گام است و آن با گذشت از کام میسر می‌شود:

دور مرو، سفر مجو، پیش توست ماه تو

نعره مزین که زیر لب می‌شنود ز تو دعا

(غزلیات شمس، غ ۲۱، ب ۹)

نیایش در شاهنامه پناهگاه خداجویان و خردمندان و پهلوانان و پادشاهان است. در نیایش‌های شاهنامه، می‌توان نفی قدرت نیایشگر را به وضوح دید. نیایشگر همه چیز را از سوی پروردگار می‌داند و خود را وسیله‌ای بیش نمی‌بیند. نیایش دست‌آویزی معنوی است برای مقابله با جادوگری‌ها و ترفندها و بداندیشی‌های دشمن. البته نه از سوی هر کس، بلکه از سوی جبهه‌ی اهورایی و نیکی و خوبی. رستم زمانی که در نبردی دشوار در برابر پهلوان تورانی «پولادوند» قرار می‌گیرد، در گیر و دار نبرد، با پروردگار خود نیایش می‌کند. او در نیایش از خالق خود می‌خواهد که اگر نبرد او از روی داد نیست و در جهان آخرت سعادت‌مند نمی‌شود،

پس کاری کند که دشمن بر او غلبه کند و اگر جبهه‌ی دشمن بیدادگر است، او را یاری نماید تا به خاطر نجات میهنش از غلبه‌ی بیداد، بر دشمن پیروز شود:

| | |
|------------------------------|---------------------------------|
| که ای برتر از گردش روزگار | جهاندار و بی‌نا و پروردگار |
| گر این گردش جنگ من داد نیست | روانم بدان گیتی آباد نیست |
| روا دارم از دست پولادوند | روان مرا برگشاید ز بند |
| ور افراسیاب است بیدادگر | تو مستان ز من دست و زور و هنر |
| که گر من شوم کشته بر دست اوی | به ایران نماند یکی جنگجوی |
| نه مرد کشاورز و نه پیشه‌ور | نه خاک و نه کشور نه بوم و نه بر |

(۱۲۷۰/۲۹۱/۴)

نیایش‌های شاهنامه، به ویژه نیایش پهلوانان، برای طلب منافع شخصی و دنیاجویی نیست؛ بلکه منافع ملی و استقلال کشور، خواسته‌ی نخست نیایشگر است. معمولاً آنچه در نیایش‌های شاهنامه از پروردگار خواسته می‌شود، پشتیبانی‌هایی معنوی از قبیل: عدم گسستگی فرّ، سعادت اخروی، کرامت، فروتنی، رهایی از پادافره‌ی اخروی، برخورداری از ویژگی‌های انسانی و الهی، غلبه بر جادوگری و ترفند دشمن و ... است.

در یکی از نبردهای شاهنامه به سالاری توس، سپاهیان ایران بر اثر جادوگری «بازور» ساحر سپاه تورانی، در برف و بوران و سرما گرفتار می‌شوند و سپاهیان دشمن با وارد آوردن تلفات فراوان، سپاه ایران را در محاصره و تنگنا قرار می‌دهند. سپهدار توس و لشکریان که دیگر فریادرسی جز پروردگار یکتا نمی‌بینند، با نیایش به او متوسل می‌شوند:

| | |
|--------------------------------|--------------------------------|
| سپهدار و گردنکشان آن زمان | گرفتند زاری سوی آسمان |
| که ای برتر از دانش و هوش و رای | نه در جای و برجای و نه زیر جای |
| همه بنده‌ی پرگناه توایم | به بیچارگی دادخواه توایم |
| زافسون و از جادوی برتری | جهاندار و بر داوران داوری |
| تو باشی به بیچارگی دستگیر | تواناتر از آتش و زمهریر |
| از این برف و سرما تو فریادرس | نداریم فریادرس جز تو کس |

(۳۶۰/۱۳۸/۴)

پس از انجام این نیایش، مردی دانشور از راه می‌رسد، که خود می‌تواند تجلی اجابت نیایش از سوی پروردگار باشد، و جایگاه جادوگر را به سپاهیان ایران می‌نماید. رُهام خود را به جایگاه او در ستیغ کوه می‌رساند و پس از آویختن با او، دستانش را قطع می‌کند و بدین ترتیب آثار جادوی او (برف و سرما) از میان می‌رود.

یکی از نقاط قابل توجه و درس آموز در این نیایش و همه‌ی نیایش‌های شاهنامه، این است که صرفاً به نیایش تکیه نمی‌شود، بلکه پس از دریافت ارشاد و راهنمایی‌های الهام شده از سوی پروردگار، تلاش و کوشش پی‌گیر نیایشگر هم ضروری است.

هدف از نیایش و دعا ارتقا یافتن و عروج است «در حقیقت هدف دعا، یاری جستن از خداوند قادر مطلق در ناتوانی‌ها، برای کارهایی است که انسان در جهت کمال و یا برای زندگی باید انجام دهد. به بیان دیگر هدف دعا، وصل و انضمام فقیر محض به غنی مطلق برای معنی یافتن «بودن» فقیر است» (سلمانیور، ۱۳۸۴: ۹۰).

در دعا و نیایش رابطه‌ی انسان با پروردگارش پیوسته می‌گردد و انسان خود را به منبع اصلی قدرت وصل می‌کند تا به مرحله‌ای برتر از موقعیت کنونی‌اش برسد. «دعا و نیایش تجلی روحی است که از نیازهای مادی نیازی برتر دارد. و هدفش رسیدن به اوج است» (رنجبر، ۱۳۶۹: ۳۷۱).

اهمیت نیایش در شاهنامه را باید در اعتقاد راسخ پدید آورنده‌اش جست؛ مسلمانی دیندار و معتقد که دیباچه‌ی اثر ارجمند و جاودانه‌اش را با نام پروردگار و ستایش او - که نشان از نفی هر چیز غیر از او دارد - آغاز می‌کند. جای جای شاهنامه مملو از یاد و نام خداست و هیچ کدام از داستان‌ها و روایاتش خالی از یاد او نیست. هر کدام از شخصیت‌های شاهنامه هنگام برخورد با مشکل، دست به نیایش و راز و نیاز با خدا برمی‌دارند که خود حاکی از نفی هرگونه قدرت شخصی و خدا را منبع اصلی قدرت دانستن است. نیایشگران در هنگام جنگ‌ها، تاجگذاری‌ها، سرآغاز نامه‌ها، سخنرانی‌ها، و یادکرد از گرفتاری‌ها و حاجات، پروردگار مهربان را ستایش می‌کنند و با او به نیایش می‌پردازند و از او یاری می‌طلبند و در پایان امور و برآورده شدن حاجات و پیروزی‌ها از او سپاسگزاری می‌کنند. هیچ حماسه‌ای در جهان یافت نمی‌شود که در آن نیایش پروردگار تا این حد اصل و اساس امور قرار گرفته باشد، تا جایی که سرنوشت شخصیت‌های بارز بستگی به رابطه‌ی آنان با پروردگار دارد. جمشید نمونه‌ای پیروی کننده از این اصل در شاهنامه است. زمانی که او از پروردگار یکتا روی گردان می‌شود، فرّه‌ی ایزدی هم گسسته می‌شود و وی دچار فرجامی ننگین می‌گردد. در مقابل، کی خسرو، کسی که در شاهنامه بیشترین ارتباط را با پروردگار دارد و زیباترین نیایش‌ها را به خود اختصاص داده است، سرانجام قبل از مرگ، زنده به سرای باقی و دیدار پروردگارش نایل می‌شود.

ابیات قابل ملاحظه‌ای از شاهنامه به نیایش که بیانگر جنبه‌ی معنوی و آسمانی است، - حدود ۶۰۰ بیت (کشاورز، ۱۳۸۱: ۴۰) - اختصاص یافته است که از ضمیری پاک و آشنا به اوصاف پروردگار به گونه‌ای حکیمانه، برآمده است.

در شاهنامه تمام شخصیت‌ها، کما بیش نیایشگرند: شه‌یاران، پهلوانان، زنان، موبدان و سایرین که در ادامه جداگانه بررسی می‌شوند و در پایان نمودارهای آماری و مقایسه‌ای، ارائه می‌گردد.

موضوع نیایش‌ها در شاهنامه:

نیایش‌هایی که در شاهنامه بررسی شده‌اند از این گونه‌اند:

۱. کمک و یاری خواستن از پروردگار (دعا)
۲. شکر و سپاس
۳. توبه و انابه
۴. یادکرد و ستایش پروردگار در ابتدا و آغاز:

- نامه‌ها و فرمان‌ها

- تاجگذاری‌ها

- سخنرانی‌ها

(موارد دیگری نیز وجود دارد که هر چند نمی‌توان آن‌ها را نیایش به حساب آورد، ولی می‌توان گفت با مبحث نیایش مرتبطند؛ مواردی همچون دستور به دعا و نیایش و التماس و درخواست دعا).

و نیایشگران عبارتند از:

۱. شه‌یاران
۲. پهلوانان
۳. زنان
۴. موبدان
۵. سایرین

الف: نیایش‌های شه‌یاران:

در شاهنامه، پادشاهی به تنهایی ملاک اعتبار و امتیاز قرار گرفتن در جبهه‌ی خوبی و برحق بودن نیست. اگر شاهی ستوده می‌شود، این ستایش، ستایش پاکی‌ها و خوبی‌ها و نیکی‌ها و وجود ویژگی‌های الهی و انسانی و اندیشه‌های اهورایی است. زیرا اگر فردوسی ستایشگر پادشاهی می‌بود، می‌بایست همه‌ی پادشاهان در آینه‌ی شاهنامه پسندیده و درخور احترام و ارزش بودند، در حالی که چنین نیست. اگر راز و نیاز و نیایش پادشاهی پاک سیرت چون

«کی خسرو» از جانب پروردگار پذیرفته می‌شود و سرش خجسته بر او فرود می‌آید و او را به زندگی جاودانه نوید می‌دهد، نه به سبب پادشاهی اوست؛ بلکه این، وجود پاکی و خوبی و عدل و اندیشه‌های الهی و انسانی است که او را شایسته‌ی چنین جایگاهی نموده است و «با شکوه‌ترین اما نجیب‌ترین سیمای دوران اساطیر شاهنامه، کی خسرو، در پایان یک عمر پیکار و کوشش، آرامش روحانی را که آرمان تمام طبقات صلح‌جوی شاهنامه است، بر کر و فر آن‌گونه زندگی ایده‌آل طبقات موبدان و ویسپوهران، ترجیح داد.» (زرین کوب، ۱۳۸۱: ۱۷۲)

نیایش یکی از ویژگی‌ها و اعمال پسندیده‌ی اغلب پادشاهان شاهنامه است. حتی قبل از ظهور زرتشت، شهریارانی با ایمان به خداوند یگانه و نیایشگر حضور دارند، هر چند که پس از ظهور زرتشت جنبه‌ی معنوی و دینی شهریار، رنگی دیگر به خود می‌گیرد و به طور جدی وارد حکومت و اداره‌ی مملکت می‌گردد. در مواردی نیز شهریاری و موبدی در وجود فردی جمع می‌آید، همچون کی خسرو و فریدون. «در مجموع، هر چقدر باورمندی و پایبندی حاکمان و شهریاران نسبت به جهان‌آفرین بیشتر بوده و بر هوای نفس خود غالب می‌آمده‌اند، به همان نسبت نیز عدالت و دادگری را در جامعه گسترش داده و حکومت آنان تداوم بیشتری می‌یافته است؛ و بر عکس، حاکمانی که راه ظلم و ستم در پیش گرفته و از امیال نفسانی خود پیروی می‌کرده و باور آنان درباره‌ی خالق یکتا ضعیف‌تر بوده است، به باور خود آنان، ایزد تعالی از آنان روی برتافته و زوال و نابودی به حکومت آنان راه می‌یافته است» (سجادی، ۱۳۸۲: ۲۹۹).

نیایش‌های شهریاران در شاهنامه به‌طور کلی در سه مقوله‌ی: دعا، شکر و سپاس و نیز توبه و انابه است.

دعا مقوله‌ای از نیایش‌های شهریاران شاهنامه برای کمک و یاری طلبیدن از پروردگار است. نیایشگر در آغاز نبردها و امور پرمخاطره و برخورد با مشکلات، با پروردگار به راز و نیاز می‌پردازد. ظرف وقوع دعا دنیا و خواسته‌ها اغلب معنوی است.

در این نوع نیایش، دعای کیومرث قبل از نبرد با دیو سیاه (۴۹/۳۱/۱)، کی خسرو در آغاز نبرد و تصمیم به رویارویی با افراسیاب (۱۰۴/۱۴/۴)، فریدون پس از کشته شدن ایرج (۴۴۵/۱۰۶/۱)، کاووس در نبرد با سالار مازندران (۸۰۵/۱۲۰/۲)، کی خسرو قبل از نگرستن در جام جهان بین (۵۹۱/۴۲/۵)، لهراسپ در آغاز نبرد با کهرم (۵۳/۱۳۹/۶) و ... برای نمونه قابل توجه است.

مقوله‌ی دیگر از نیایش شهریاران، شکر و سپاسگزاری پروردگار است. شهریاران شاهنامه، خداوند را به سبب نعمت‌ها و یاری‌ها و نصرت‌های او در رسیدن به خواسته‌ها و رهایی از سختی‌ها و ... سپاس و شکر می‌گویند. بیشترین سپاس‌های شهریاران برای پیروزی بر دشمنان

و پس از آن شکر بر نعمت‌ها و سپس سایر موارد است. در این مقوله موارد زیر برای نمونه ذکر می‌شود:

نیایش هوشنگ برای سپاس پس از کشف آتش (۱۷/۳۴/۱)، طهمورث پس از کشف جنبه‌های نوین زندگی و فراهم نمودن آسایش و رفاه برای مردم (۱۷/۳۷/۱)، کی خسرو پس از آگاهی یافتن از شکست سپاه افراسیاب (۱۶۵۵/۳۳۳/۵)، هرمز پس از پیروزی و خبر مرگ ساوه‌شاه (۹۹۳/۳۷۴/۸)، نوشین‌روان پس از روی نهادن فرمانروایان ممالک برای نثار هدایا و اظهار بندگی (۲۳۰۳/۱۸۷/۸).

توبه و پوزش از گناه و قصور، یکی دیگر از مقوله‌های نیایش شه‌ریاران در شاهنامه است. توبه حاصل ندامت و پشیمانی از گناه و باز آمدن به راه راست و شناخت پروردگار توسط توبه‌پذیر است. توبه‌کنندگان با اعتقاد به نقص و کوتاهی‌های وجود خود و توبه‌پذیری پروردگار به این عمل رو می‌آوردند و این کردگار، خود نتیجه‌ی معرفت و شناخت از خود و پروردگار است. این ویژگی در برخی از شه‌ریاران شاهنامه مشاهده می‌شود؛ از قبیل: توبه و انابه‌ی کاووس پس از فریب خوردن از دیو و رفتن به آسمان (۴۴۱/۱۵۵/۲) و توبه نوشین‌روان پس از اثبات بی‌گناهی مهبود (۱۶۹۸/۱۵۳/۸).

برای اختصار و آگاهی بیشتر به نمودار درصد نیایش‌های شه‌ریاران مراجعه شود (نمودار شماره ۲).

ب: نیایش‌های پهلوانان

دومین گروه شخصیتی را پهلوانان تشکیل می‌دهند. آنان دارای منش و ویژگی‌های خاص خود هستند: در میدان نبرد شجاعانه می‌جنگند و سخت دلیر و بی‌باکند. نبردی که همواره در شاهنامه اتفاق می‌افتد، نبردی است که میان خیر و شر، نیروهای اهورایی و اهریمنی است. علت اصلی اکثر این نبردها انتقام و کینه‌کشی است. مسأله، مسأله‌ی خشم و غضب و عصبیت و نفسانیات انسانی نیست، بلکه مسأله، جزای کردار بدی است که انسان خطاکار مسؤول آن است و باید سزایش را ببیند، حال این گناهکار، هر کس که می‌خواهد باشد، حتی رستم که خاندانش پس از کشته شدن اسفندیار توسط او دچار مصائب مختلفی می‌گردند. این انتقام، اخلاقی است؛ نبردی است که جهت اجرای عدالت صورت می‌پذیرد. پهلوانان شاهنامه، پارسا و دیندارند و جهان را تحت امر پروردگار می‌دانند، از این‌رو اگر چه خود دارای قدرت‌های فوق‌العاده‌ای هستند، اما پیروزی و کامیابی را از پروردگار می‌دانند و در ابتدای نبردهایشان از او کمک می‌گیرند و یاری می‌طلبند و در آخر کار نبرد نیز یاری پروردگار را شاکرند. آنان شخصیت‌های مستقل و دارای اختیارات فراوان هستند و تسلیم محض شه‌ریاران نمی‌شوند. حتی گاهی

می‌بینیم که خود، شه‌یاران را بر می‌گزینند (همچون زال و رستم که زوطهماسب و کی‌قباد را به شه‌یاری برمی‌گزینند). در سختی‌ها و مصائب چشم امید ایرانیان به آنان دوخته و هیچ پهلوانی خود را جدا از ایران و ایران را جدا از خود نمی‌داند. آنان با خطرات بزرگ مواجه می‌شوند و بلاها را به جان خریدارند تا مبادا گزندی به ایران برسد. تلاششان در جهت ایجاد عدالت و گسترش آن است. جوانمردی و مردانگی از خصوصیات بارز این گروه است. در کل می‌توان گفت آنان دارای خصوصیات انسانی هستند، هم دچار اشتباه می‌شوند و هم آرمان خواهند. «پارسایی و دینداری پهلوانان و شاهان شاهنامه نیز بسیار در خور توجه است. رستم، این پهلوان بی‌نظیر، نمونه‌ی بارزی از خلوص در یکتا پرستی است. وی زور بی‌همتای خود را از رحمت پروردگار می‌داند و اگر چه به ظاهر در خطر خیزترین حادثه‌ی زندگی‌اش، سیمرغ به پشتیبانی و رهایی او کمر می‌بندد، رستم جریان همه‌ی این امور را از سوی خداوند می‌بیند و پیوسته به ستایش او می‌پردازد» (تودوا، ۱۳۷۷: ۹۸).

رستم در بین پهلوانان بیشترین نیایش را به خود اختصاص داده است (نمودار شماره‌ی ۳). او که آرمانی‌ترین پهلوان شاهنامه است در موقعیت‌های گوناگون و به اشکال مختلف دست به دعا و راز و نیاز و نیایش برمی‌دارد و از آفریدگار یگانه که همه چیز را از او می‌داند، باری می‌طلبد. او «مجموعه‌ای است از اندیشه و خرد، نیرو و دلآوری، بردباری و از خودگذشتگی، زیرکی و منطقی استوار. او نمونه آرمانی فردوسی است. او در عین حال وحدتی است از گوهرهای متضاد» (شعار/ انوری، ۱۳۷۶: ۵۴). رستم اغلب در قالب نیایش و ستایش و شکر و سپاس و دعا، برای طلب یاری و یا برای ادای سوگند، توکل، پند و اندرز و ... نام پروردگار را بر زبان جاری می‌سازد و به او متوسل می‌شود. رستم در خوان چهارم از هفت‌خوان با زنی جادو روبه‌رو می‌شود. «زن جادوگر می‌توانست رستم را به دام بیاورد. این عشق‌بازی رستم را به چنگ جادوگر زندانی می‌کرد و سد راه او می‌شد، در این جا خداوند، رستم را از خطر نجات داد. البته این رستم است که به نیروی دانش و خرد، بندگی جهان‌آفرین می‌کند (نیایش رستم هنگام رویارویی با زن جادو). خود را مانند جمشید و کاووس هم‌ردیف کردگار جهان نمی‌شمارد. رستم از همین آغاز جوانی دریافته است که نیرو از پروردگار است و بخشایش او، وی را پیروز خواهد کرد. خوان چهارم پاداش ایمان فراوان رستم است به کردگار جهان و فروتنی او که خود را مانند بعضی دیگر از قهرمانان شاهنامه به داشتن دانش و زور و زر گم نمی‌کند» (رضا، ۱۳۷۴: ۱۲۳). این روحیه و اندیشه‌ی او نمایانگر آگاهی او از نقص و ضعف‌هایش به عنوان یک انسان است و همچنین بیانگر این اندیشه که هر چه هست اوست و همه چیز از او. او و دیگر پهلوانان برجسته‌ی شاهنامه هیچ کاری را بی‌یاد خدا و نیایش آغاز نمی‌کنند و پس از

یافتن نصرت و یاری از یگانه آفریدگار عالم هستی، سپاس و شکرگزاری می‌کنند. موضوعات نیایش پهلوانان اغلب شامل دعا، شکر و سپاس است.

نمونه‌هایی از دعا

نیایش قارن قبل از نبرد با سپاه افراسیاب (۷۲۴/۲۷۹/۵)، رستم زمان رویارویی با پولادوند (۱۲۷۰/۲۹۱/۴)، توس هنگام رویارویی با جادوی تورانیان (۳۶۰/۱۳۸/۴)، سام هنگام رها کردن زال در کوه (۱۲۴/۱۴۳/۱)، سیاوش قبل از کشته شدن (۲۳۷/۱۵۱/۳) و گیو هنگام رفتن بیژن برای نبرد با هومان (۶۸۱/۱۲۴/۵).

نمونه‌هایی از شکر و سپاس

شکر و سپاس رستم پس از شکست دادن اژدها (۳۹۱/۹۷/۲) و نیز در آغاز خوان چهارم (۴۱۴/۹۸/۹)، کی خسرو پس از گذر از جیحون (۳۴۸۲/۲۲۸/۳)، گیو پس از بازگشت بیژن از جنگ با هومان (۸۴۵/۱۳۳/۵)، گودرز پس از یافتن مخفیگاه افراسیاب (۲۲۸۱/۳۷۰/۵) و اسفندیار پس از شکست سپاه ارجاسب (۱۲۰/۷۳/۶).

ج: نیایش‌های زنان

زنان به عنوان بخشی از جامعه‌ی ایرانی در شاهنامه‌ی فردوسی در بسیاری از رویدادها حضور دارند. آنان همچون دیگر شخصیت‌ها، ویژگی‌ها و امتیازات گوناگونی دارند. البته نیایش زنان، بخش اندکی از نیایش‌های شاهنامه را به خود اختصاص داده است و تعداد زنان نیایشگر شاهنامه به مراتب کمتر از سایرین است. دلایل این حضور کم‌رنگ زنان در صحنه‌های نیایشی شاهنامه را باید در نکاتی از این قبیل جست: حضور آنان در امور درجه اول مملکتی و جنگ‌ها و دشواری‌ها (جز موارد اندکی) کمتر است و اغلب در رأس امور و فرمانروایی و رسیدگی به امور مردم و کشورداری حضور ندارند. بیشتر حضور آنان در امور از قبیل ماجراهای عاشقانه و به ندرت مشورت و سفارش است و در این امور برخلاف وظایف و خواسته‌های پادشاهان و پهلوانان، نیایش جایگاه قابل توجهی ندارد. نسبت تعداد زنان به تعداد پادشاهان و پهلوانان در شاهنامه به مراتب کمتر است. البته این مطالب مانع از آن نیست که ما داستان دلآوری گردآفرید در برابر سهراب و گردیه خواهر بهرام چوبینه در برابر چینیان را که

نشانه‌هایی از «دید و همت والای زنان در فرهنگ ایران» (رضا، ۱۳۷۴:۱۳۸) است، نادیده بگیریم.

مفهوم نیایش‌های زنان شاهنامه اغلب امور شخصی و یاری و نصرت طلبیدن از پروردگار است و در دو موضوع می‌گنجد: دعا و شکر و سپاس.

دعا:

دعای مادر فریدون (فرانک) هنگام رهسپاری او برای نبرد با ضحاک (۲۵۱/۶۵/۱)، دعا و طلب آمرزش رودابه پس از مرگ رستم (۳۳۱/۳۴۱/۶) و یاری طلبیدن زن گازر در برابر تهدید داراب (۱۱۳/۳۶۰/۶) از این دسته‌اند.

شکر و سپاسگزاری

سپاسگزاری فرانک پس از اطلاع یافتن از تاجگذاری فرزندش فریدون (۱۷/۸۰/۱)

د: نیایش‌های موبدان

موبدان در شاهنامه جایگاهی خاص و نقش‌هایی تعیین کننده دارند و امور متعددی توسط آنان انجام می‌گیرد؛ «نویسنده‌گی و پیشگویی و تعبیر خواب و اختر شناسی و پند و اندرز با موبدان است. بسا هم طرف مشورت پادشاه بوده‌اند» (شهیدی مازندرانی، ۱۳۷۷:۶۹۲). اما اصلی‌ترین وظیفه‌ی موبدان انجام آیین‌های دینی و آموزش است. هر چند که در اثنای داستان‌ها موبدان را همواره در عبادتگاه‌ها می‌یابیم و در پیش زمینه‌ی برخی نیایش‌ها، آنان را در حال نیایش و برگزاری آیین‌های دینی مشاهده می‌کنیم، اما در شاهنامه نیایش‌های مشخصی که بتوان گفت به شخص خاصی از آن‌ها تعلق دارد کمتر یافته می‌شود. از جمله‌ی نیایش‌های موبدان: هنگام ملاقات موبد با شاپور ذوالاکتاف پس از گریختن از زندان قیصر است (۲۳۷/۳۲۰/۷).

شایان ذکر است که اغلب نیایش‌های مشخص موبدان، در دوره‌ی تاریخی شاهنامه و فرمانروایی نوشین روان است و موضوع نیایش آنان بیشتر یاری طلبیدن و نفرین و نابودی دشمن است.

ه: نیایش‌های سایرین

نیایشگران دیگر شاهنامه سپاهیان و مردمند و نیایش‌های آنان اغلب در سه مقوله‌ی دعا، سپاس و شکرگزاری و توبه و انابه است. از جمله‌ی موارد دعا: دعای بزرگان ایران پس از آگاهی یافتن از بازگشت بهرام گور به ایران (۴۹۲/۲۹۲/۷) و دعای مردم ایران پس از آرامش و رفاه به سبب تدبیر و عدل نوشین روان (۸/ ۲۵۵۸/۱۸۵) است.

سپاس و شکر

سپاسگزاری سپاهیان اسفندیار پس از پیروزی او بر اژدها (۱۷۳/۱۷۶/۶).

توبه و انابه

توبه اسقف از این‌که خسرو و سپاهیان‌ش را به شارستان راه نداد.

فهرست موضوعی نیایش‌ها

تاکنون به بررسی نیایش شخصیت‌های شاهنامه پرداخته شد که نیایش‌های آنان شامل موارد زیر است:

۱. دعا و طلب و درخواست از پروردگار ۲. سپاسگزاری و شکر ۳. توبه و انابه
- اکنون به بررسی آن نیایش‌ها البته به گونه‌ای دیگر می‌پردازیم.

فهرست موضوعی طلب‌ها و خواسته‌ها از پروردگار (بدون تکرار درخواست‌ها)

- کمک و یاری طلبیدن جهت:
۱. شکست دادن دشمن و غلبه بر او
 ۲. درخواست مرگ و پیوستن به پروردگار
 ۳. بازگشت سلامتی
 ۴. کمک برای بالا رفتن از کوه
 ۵. کمک برای رهایی از برف و سرما
 ۶. رهایی از چنگ دشمن
 ۷. کمک و یاری طلبیدن برای انتقام
 ۸. کمک و یاری طلبیدن برای نجات از دشمن
 ۹. دعا برای روح مردگان و آرامش یافتن آنان

۱۰. پابرجا ماندن شاهان عادل
 ۱۱. محافظت در برابر جادوان
 ۱۲. نفرین دشمن و درخواست نابودی او
 ۱۳. کمک و یاری برای پیدا شدن فرزند
 ۱۴. دعا برای بازگشت به وطن
 ۱۵. طلب نیرو از پروردگار برای کمک به دیگری
 ۱۶. دعا برای جان فرزند و بازگشت او از نبرد
 ۱۷. دعا برای حفظ کشور و تاج و تخت
 ۱۸. دعا برای بهبودی و سلامت دیگری
 ۱۹. دعا برای رستگاری و رفتن به بهشت
 ۲۰. دعا برای پیروزی طرف مقابل در صورت برحق بودن او
 ۲۱. دعا برای گذر از دریا
 ۲۲. دعا برای یافتن دشمن
 ۲۳. دعا برای پابرجا ماندن بر عدل و عدالت
 ۲۴. دعا برای دفع بلا
 ۲۵. دعا برای عدم مؤاخذه از ارتکاب گناه (گناهی که در آینده انجام خواهد شد)
 ۲۶. درخواست آسایش و راحتی
 ۲۷. درخواست راهنمایی به راه راست
 ۲۸. دعا برای به پاداش رسیدن دیگری (جهت کار نیکی که انجام داده)
 ۲۹. قرار نگرفتن در زمره‌ی ستمکاران و ستمگران
- فهرست موضوعی سپاسگزاری‌ها**

۱. سپاسگزاری و شکر بر نعمت
۲. سپاسگزاری بر موفقیت
۳. سپاسگزاری و شکر جهت پیروزی و غلبه بر دشمن
۴. سپاسگزاری و شکر جهت باز آمدن و پیدا شدن اطرافیان
۵. سپاسگزاری و شکر جهت رهایی از خشکسالی
۶. سپاسگزاری و شکر جهت گذشتن از دریا
۷. سپاسگزاری و شکر جهت موفقیت فرار از دست دشمن و ایمن گشتن
۸. سپاسگزاری و شکر جهت داشتن قدرت و شکوه در سلطنت

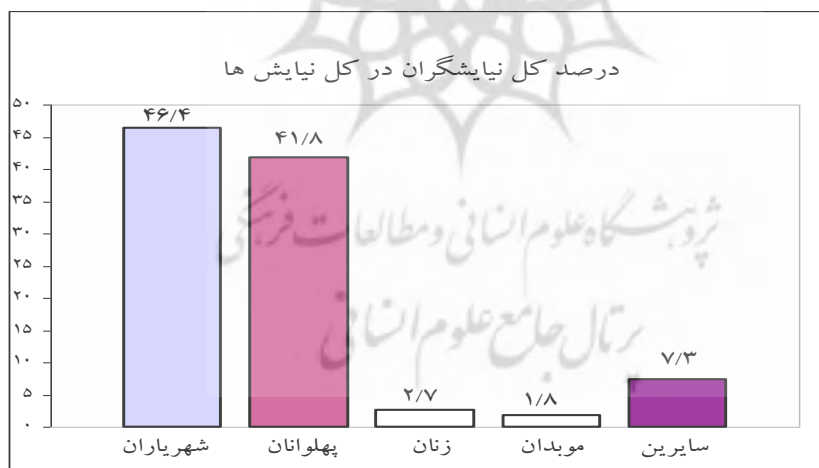
۹. سپاسگزاری و شکر جهت وجود فرزند خردمند
۱۰. سپاسگزاری و شکر جهت گذشتن از رود
۱۱. سپاسگزاری و شکر جهت پیدا کردن دشمن
۱۲. سپاسگزاری و شکر جهت همسر نیک سیرت و صورت
۱۳. سپاسگزاری و شکر جهت توفیق بر گرفتن انتقام
۱۴. سپاسگزاری و شکر جهت پیدا شدن فرزند
۱۵. سپاسگزاری و شکر جهت رهایی از زندان

فهرست موضوعی توبه

۱. توبه و پوزش از گناهان گذشته
۲. توبه و پوزش جهت کشتن بی‌گناه
۳. توبه و پوزش به علت راه ندادن دیگری به شهر

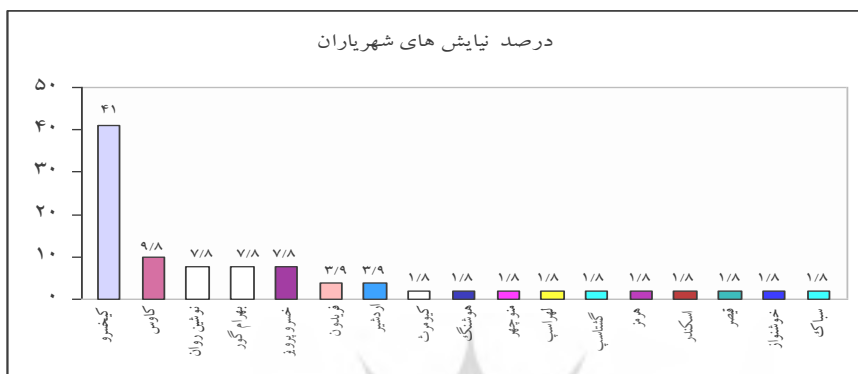
نمودارها

نمودار شماره (۱)



درصد نیایشگران به تفکیک شخصیت‌ها:

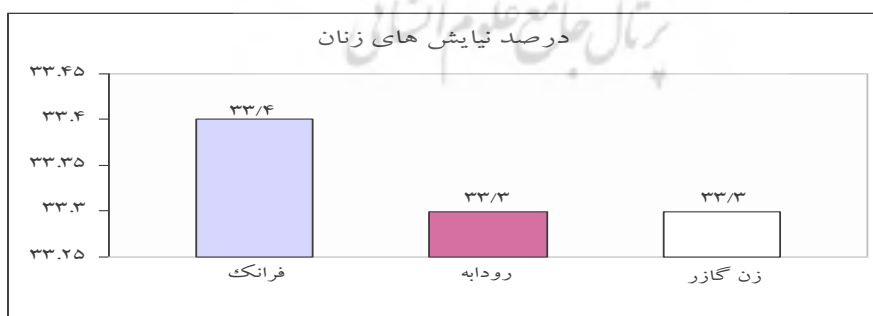
نمودار شماره (۲)



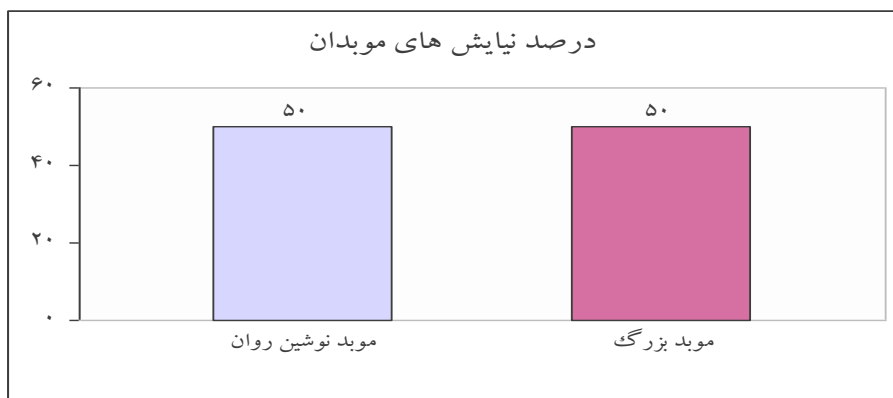
نمودار شماره (۳)



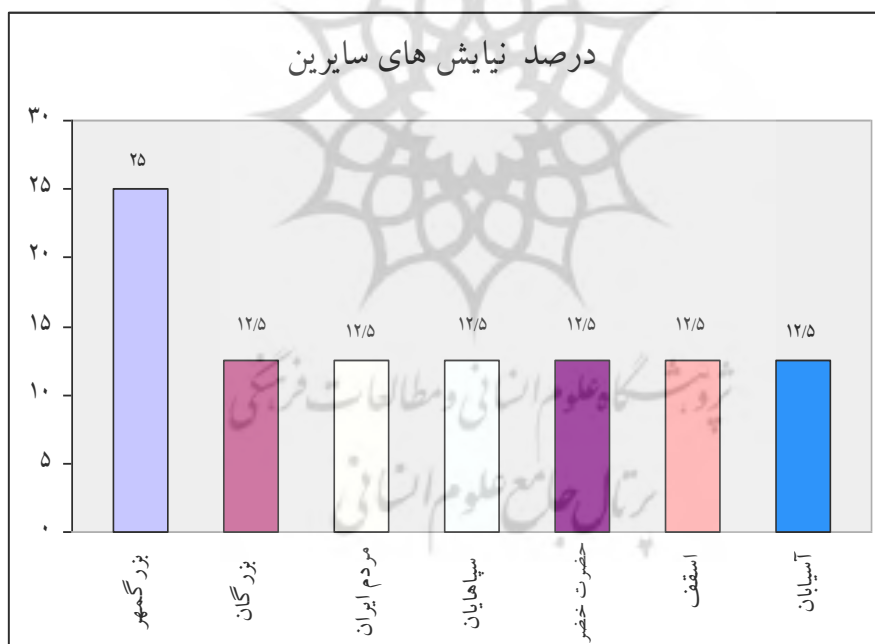
نمودار شماره (۴)



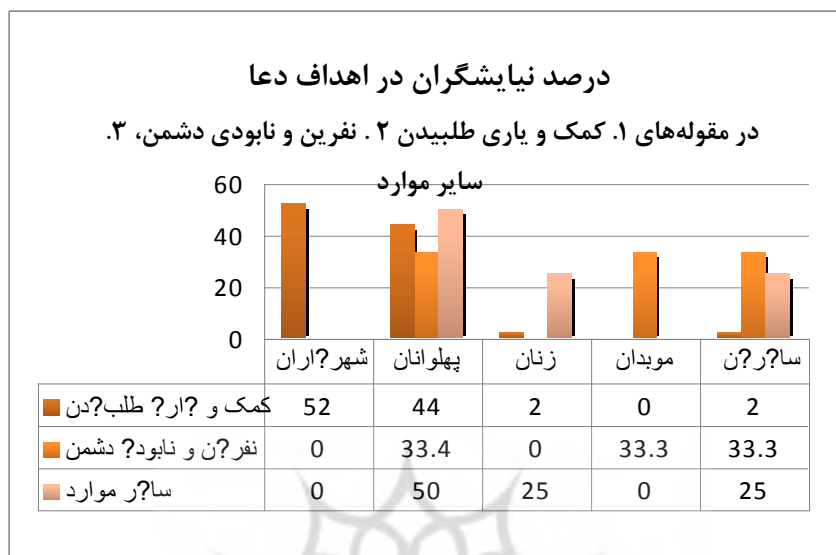
نمودار شماره (۵)



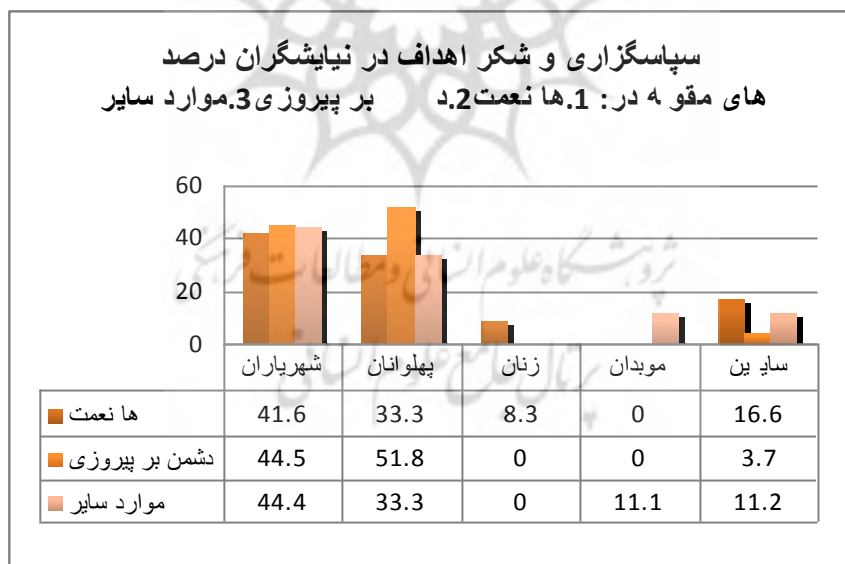
نمودار شماره (۶)



نمودار شماره (۷)



نمودار شماره (۸)



نتیجه:

شاهنامه‌ی حکیم فرزانه‌ی توس مفاهیم ارزشمندی در زمینه‌های گوناگون حکمی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی، دینی و ... در بردارد. این دایرة‌المعارف بزرگ همچون اقیانوسی ژرف در هر گوشه و کران خود گوهری گران‌سنگ از مفاهیم والای الهی و انسانی نهفته دارد. یکی از هزاران مفاهیم ارزشمند آن که به زیبایی و شیوایی هر چه تمام‌تر سروده شده، نیایش پروردگار یگانه است. در شاهنامه حدود ۶۰۰ بیت به نیایش اختصاص یافته که همگی از ضمیری پاک و آشنا به اوصاف پروردگار به گونه‌ای حکیمانه بیان شده‌اند. تقریباً تمام شخصیت‌های شاهنامه نیایشگرند و نیایش‌ها اغلب در سه مقوله‌ی: دعا، سپاس و شکرگزاری و توبه و انابه می‌گنجند. شهریاران از جهت تعداد نیایش، بیشترین نیایش‌ها را، آن هم در مفهوم دعا، با هدف پیروزی یافتن بر دشمنان و طلب یاری و نصرت به خود اختصاص داده‌اند. پهلوانان پس از شهریاران و در رتبه‌ی دوم تعداد نیایش‌ها با همان مفهوم نیایش شهریاران قرار دارند. خواسته‌های این دو گروه شخصیتی اغلب معنوی است. از میان شهریاران کیخسرو و از میان پهلوانان رستم در اوج نیایشگری ایستاده‌اند. پس از این گروه سایرین (موبدان، سپاهیان و مردم) و زنان قرار دارند. که اغلب نیایش‌های آنان به مقوله‌ی سپاس و شکرگزاری و طلب نیازهای مادی و نعمت‌های الهی اختصاص دارد.

پی‌نوشت

در ارجاع ابیات، علامت سمت راست بیانگر شماره جلد و عدد میانی، شماره صفحه و عدد سمت چپ بیانگر شماره‌ی متن از شاهنامه تصحیح دکتر سعید حمیدیان می‌باشد.

منابع و مأخذ

- اسدی طوسی، ابومنصور احمد. (۱۳۷۰). *لغت فرس*. تصحیح و تحشیه فتح‌الله مجستبایی، علی‌اشرف صادقی. تهران: انتشارات خوارزمی.
- پاشنگ، مصطفی. (۱۳۷۷). *فرهنگ پارسی و ریشه‌یابی واژگان*. چاپ اول. تهران: انتشارات محور.
- تودوآ، ماگالی. (۱۳۷۷). *از پانزده دریچه*. ترجمه محمدکاظم یوسف‌پور. گیلان: انتشارات دانشگاه گیلان.
- رضا، فضل‌الله. (۱۳۷۴). *پژوهشی در اندیشه‌های فردوسی*. چاپ چهارم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- رنجبر، احمد. (۱۳۶۹). *جاذبه‌های فکری فردوسی*. چاپ دوم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۱). *نامورنامه*. چاپ اول. تهران: انتشارات سخن.
- سجادی، حسین. (۱۳۸۲). *جهان آفرین از دیدگاه جهانگشایان در شاهنامه*. چاپ اول. تهران: انتشارات پژوهش معاصر.
- سلمانیپور، محمدجواد. (۱۳۸۴). «فرهنگ‌سازی امام سجاده (ع) با زبان دعا». *فصلنامه اندیشه دینی*. شماره ۱۷.
- شعار، محمد؛ حسن، انوری. (۱۳۷۳). *غمنامه رستم و سهراب*. ویرایش دوم. تهران: نشر قطره.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۰). *گزیده غزلیات شمس*. چاپ هشتم. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- شهیدی مازندرانی. (۱۳۷۷). *فرهنگ شاهنامه*. چاپ اول. نشر بلخ.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۴). *شاهنامه*. به کوشش سعید حمیدیان. چاپ هفتم. تهران: نشر قطره.
- کشاوری، فتح‌الله. (۱۳۸۱). *ادبیات حماسی*. تهران: انتشارات آن.
- ماسه، هانری. (۱۳۷۵). *فردوسی و حماسه‌ی ملی*. ترجمه‌ی مهدی روشن ضمیر. چاپ دوم. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
- معین، محمد. (۱۳۷۱). *فرهنگ فارسی*. ج ۴. چاپ هشتم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نفیسی، علی‌اکبر. (۱۳۶۸). *فرهنگ نفیسی*. ج ۵. تهران: انتشارات کتاب‌فروشی خیام.
- یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۶). *فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی*. چاپ اول. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.